

تفسیری خودشان را دارند، آرای برگرفته از قرآن و استدلال‌های مستند به قرآن‌شان متفاوت است و خود این، زمینه تفرق و افتراق را بیشتر فراهم می‌کند.

این است که ایشان راه چاره را در این دیدند که یک منشور بزرگ موسوعه قرآنی تألیف شود که هم واجد مطالب و آرا و دیدگاه‌ها و نکته‌های قرآنی عالمان شیعی باشد، هم اهل سنت، هم از گذشته هم از اکنون، هم نکته‌های فقهی را دربر بگیرد و هم نکته‌های لغوی و نکته‌های تفسیری را، با توجه به اینکه خاستگاه تفسیر و برداشت و تبیین جملات قرآنی، شناخت واژگان و مفردات الفاظ قرآن است و هم مجموعه‌ای که به جهان اهل سنت جایگاه و توان علمی بزرگان شیعه را بنمایاند و اندیشه‌ها و رهنمودهای آنها را در این عرصه در معرض استفاده آنها قرار بدهد و هم عالمان شیعی را بیشتر با نکات و رهنمودها و آورده‌های قرآنی تفسیری اهل سنت آشنا سازد. لذا ایشان موسوعه‌ای به نام المعجم را طراحی کردند.

#### ◀ چطور پروژه عظیم «المعجم» طراحی شد

ابتدا کسانی که با ایشان از سال ۱۳۶۳ شمسی همراه بودند، مثلاً در یک موضوع با فیش‌برداری از تفسیر تبیان شروع کردند، بعد اینها تبدیل شد به چهار بخشی که امروزه در کتاب المعجم می‌بینیم. در بخش اول، نصوص لغوی از کتاب‌های لغت عام یا لغت قرآنی مطرح می‌شود؛ از خلیل بن احمد فراهیدی تا امروز. مرحله دوم، نصوص تفسیری است؛ یعنی عبارت‌ها و متون تفسیری که مفسران برای تبیین یک واژه، معنای یک واژه یا معنای همایشی واژه در جمله یا معنای ترکیبی جمله تشکیل شده از آن واژه و واژه‌های دیگر بیان کردند. و بخش سوم، الاصول اللغویه که بسیار کوتاه است و بخش

چهارم، الاستعمال القرآنی که در واقع تحلیل و جمع‌بندی و نگاهی کلان است به معنای کاربردی آن واژه در هر آیه و در مجموع آیات قرآن.

گاهی بخش‌هایی یا احياناً مطلب خاصی به عنوان وجوه و نظائر به ندرت دیده می‌شود والا ذیل هر مدخل از مداخل لغت و مفردات قرآن، این چهار بخش دیده می‌شود؛ نصوص لغوی، نصوص تفسیری، اصول لغوی و استعمال قرآنی.

به این شکل المعجم طراحی شد که امروزه تا جلد ۵۳ و آخر حرف ضاء رسیده و حرف عین از جلد ۵۳ تا ۶۰ را تشکیل می‌دهد که این کار ادامه دارد. ایشان تا جلد ۳۳ خودشان بخش استعمال قرآنی را می‌نوشتند و گردآوری نصوص و نصوص لغوی و تفسیری و نگارش اصول لغوی را گروه تحقیقی که زیر نظرشان کار می‌کرد، با اشراف و نظارت علمی ایشان تهیه می‌کردند.

آن سه بخش در واقع گردآوری و کنار هم چیدن بود ولی بخش استعمال قرآنی، نگارش و تولید علمی بود که اختصاصاً خودشان برعهده داشتند. بعد از درگذشت ایشان، کسانی که در آن ۳۰ سال با ایشان همکاری کرده بودند، این کار را ادامه دادند.

#### ◀ تقارب فکری و علمی شیعه با اهل سنت

در مجموع این معجم اولاً سهم دانشوران شیعی را در کنار مفسران و لغت‌نگاران قرآن که اهل سنت بودند، نشان می‌دهد. ثانیاً راه را بر تقارب فکری و علمی میان شیعه و اهل سنت بر محور آموزه‌های قرآنی و رهنمودهای قرآنی باز می‌کند و آن هدف بلند و غایة‌القصوبی که در اندیشه بزرگانی مثل مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود، در زمینه اندیشه‌های قرآنی محقق می‌سازد.

همه می‌دانیم که آموزه‌ها و رهنمودهای قرآنی زیرساخت همه اندیشه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی و زمینه‌های دیگر علوم اسلامی است و تقارب و اتحاد یا وحدت در زمینه مسائل اعتقادی علمی، طبعاً شکل‌گیری‌اش باید از زیرساخت‌ها شروع شود و نتایجش را در برساخت‌ها مشاهده کنیم.

این اهمیت ایده خلاقانه مرحوم استاد واعظ‌زاده خراسانی بود که از رهگذر پرورش علمی در مکتب آیت‌الله العظمی بروجردی و استادان بزرگ دیگر مانند امام خمینی و حتی استادانی مانند آیت‌الله العظمی میلانی، آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی و... حاصل شد. ایشان از رهگذر این دریافت‌های علمی و گرایش تقریبی و پویای پژوهشی به این خلاقیت رسیدند و دستاورد یکی از ایده‌های خلاقانه‌شان همین المعجم شد. البته ایشان چندین موسوعه دیگر را طراحی یا رهبری کردند، مثلاً «نصوص فی الاعتقاد الاسلامی» یا «نصوص الاقتصاد اسلامی فی الكتاب و السنه» و چندین پروژه دیگر.

#### ◀ دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت (ع)

ایشان به بازگشت به قرآن و پناه بردن علمی به جایگاه ثقلین معتقد بودند. بنده می‌توانم ایشان را شخصیتی بدانم که در بهترین شکل به دفاع عقلانی از مکتب اهل بیت پرداختند؛ دفاعی عقلانی که به روح تعلیمات اهل بیت توجه داشته و مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) را که در واقع ایده بنیادین مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بود، تجلی بسیار روشنی بخشیده است.

در فعالیت‌های علمی ایشان، جنبه خاصی وجود داشت که به نظرم با این تحلیل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ایشان تمام فرصت‌های علمی و تحقیقاتی ۳۰ سال آخر عمرشان را با همه جامعیتی که داشتند و با همه تسلطی که بر زمینه‌های

